



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۱۹/۰۳/۰۶

جليل غنی هروی

## حفاظت زبانهای رسمی افغانستان

افغانستان عزیز از چهل سال به اینطرف مورد تهاجمات گوناگون نظامی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و عقیدتی قرار دارد. مهاجمین یا همسایگان منفعت جو و استیلاء طلب و شئونبست های عظمت طلب هستند که خواب مبدل شدن به ابر قدرت های منطقوی را می بینند و یا در پی بهره کشی از موقعیت ستراتیژیک افغانستان و منابع اقتصادی و انسانی این سر زمین هستند، و برای رسیدن به چنین اهداف نا مشروع، مثل هر سلطه جوی قدرت طلب، نخست باید مغز های نا جور یک ملت را استخدام نمود و فرهنگ و عنعنات و باور های عقیدتی آنها را مورد تهاجم قرار داد و بعد بستر تسلط را با رخنه انداختن بین متکلمین زبانهای گروه های مختلف اجتماعی و با بذخ نفاق، مهیا ساخت. ملت افغانستان به خصوص دانشمندان و تحلیل گرانی که جز بر منافع ملی بر هیچ منفعت و تعلق دیگری نمی اندیشند، این درد جانکاه را بیشتر از همه احساس کرده و این ندای وطن پرستانه را بیشتر از هر قشر دیگر جامعه افغانی بلند کرده اند و بیشتر هم هدف تبلیغات سوء قرار گرفته اند ولی چون هدف پاک و ملی است باکی از چنین طعنه زنان نیست.

در بیست و هفتم فبروری سال ۲۰۱۳ مقاله تحت همین عنوان در همین پورتال وزین افغان جرمن آنلاين به نشر رسانیده بودم و اکنون باز هم می بینم که دو زبان زیبایی رسمی افغانستان، دری و پشتو، مورد تعرض قرار گرفته، خواستم دوباره این موضوع عمده و حیاتی را درین برهه زمان که وطن از شش جهت مورد تهاجم قرار گرفته یکی بر تمامیت ارضی افغانستان چشم دوخته و دیگری بر حاکمیت ملی، آن دیگری بر منابع اقتصادی و ستمگر دیگری بر شست و شوی مغزی و تخریب فرهنگ کهن و اصیل، مهاجم دیگری زبانهای رسمی افغانستان را هدف قرار داده و به فکر تاراج تاریخ این مرز و بوم است و دیگری مذهب و باور های عقیدتی جامعه را مورد تاخت و تاز قرار داده است. هدف همه این تهاجمات و تجاوزات از بین بردن وحدتی است که مردم افغانستان در طول تاریخ خود به آن متعهد بوده اند و برادر وار تحت هر گونه شرایط نا گوار سیاسی و اقتصادی و اجتماعی باهم زندگی کردند. در سالهای اخیر و به خصوص در تقریباً چهار دهه اخیر دشمنان وحدت و همبستگی مردم افغانستان که به خوبی درک کرده بودند برای حصول امیال شوم شان نخست باید چنین اتحاد و اتفاق را نا بود ساخت، گاهی به نام ملیت های محروم، زمانی به نام حقوق اقلیت ها و گاهی هم به نام مذهب و بیشتر اوقات به نام قوم و قبیله و زبان جامعه افغانی مرکب از اقوام و نژاد های مختلف را تحریک و چنین تفاوتها را به خصومت ها تعویض نمودند. اقوام و نژاد های افغانستان گلهای بستان شکر هندی هستند که در طول تاریخ این باغستان را سبز و گوارا نگهداشته اند موضوع زبانهای رسمی افغانستان، دری و پشتو، و استفاده از لغات و اصطلاحات ساخت فابریکه زبان سازی ایران بحث های داغی را در شبکه های اجتماعی و نشرات داخل و خارج از کشور بر انگیزده است. ضرورت حفاظت و ارتقای این دو زبان تاریخی و جیبیه و مکلفیت دانشمندان اهل زبان و قلم به دستان است تا آنانی را که فریب تحمیل لغات و اصطلاحات نا مأنوس را به زبانهای اصیل دری و پشتو خورده اند متوجه سازند.

زبان یکی از ارکان عمده و حتمی هویت ملی یک ملت است و به حیث جزء عمده فرهنگ هر ملتی از طرف جامعه شناسان و فرهنگیان شناخته شده است. در تعریف فرهنگ می خوانیم که: "مجموع روش ها، عنعنات و اعتقاداتی که یک گروه را از گروه دیگر متمایز می سازد. فرهنگ از طریق زبان، اشیای مادی، مناسک مذهبی، نهاد ها و آرت (هنر) از نسلی به نسلی انتقال می یابد" زبان مردم افغانستان هویت ملی این مردم است زبانهای افغانستان همه زبانهای مردم افغانستان و معرف فرهنگ مردم افغانستان به معنی وسیع کلمه «فرهنگ» است از بیش از چهل سال به اینطرف جنگ با ابعاد گسترده و وسیعی در افغانستان، همه شیرازه های زندگی مردم ستم دیده و بردبار افغانستان را درهم ریخت و اثرات نا مطلوب آن نه تنها در بخشهای اقتصادی و مالی و سیاسی و اجتماعی، بلکه در فرهنگ غنی این سرزمین با تاریخ کهن چندین هزار ساله، نمودار است که زمانی مهد تمدن و مرکز فرهنگی بود که از همین سرزمین به اقصی نقاط جهان پخش گردید. زبان دری و پشتو که از

همین خطه نشأت نمود تا شرق میانه و جنوب آسیا حاکم شد و برای صد ها سال زبان رسمی دربار مغل های هند گردید.

شکی نیست که سلسله مهاجرت ها و بزرگ شدن نسلی و یا دو نسل در یک فرهنگ و کشور دیگر تاثیراتش را داشته است و با وصف صفات و امتیازاتی که چنین مهاجرت ها داشته است، و می توان از بلند رفتن سطح تحصیل، آموختن زبان های دیگر، آشنائی با فرهنگ ها و کشور های دیگر، ارتقای سطح فکری نام برد، تاثیرات دیگری هم داشته است که نه تنها مطلوب نبوده بلکه زیانبار هم بوده است، از قبیل تحت تاثیر رفتن فرهنگ و زبان کشور میزبان، پیروی از عنعنات و فرهنگ آن ملت ها، تقلید زبان و لهجه کشور میزبان، و برخی دیگر از عاداتی که خواهی خواهی نسلی که در تحت چنان شرایطی بزرگ شده، تحت تاثیر قرار داشته است. اما تعدادی که با سنین بزرگتر مهاجر شدند و یا هم چند سالی را به کشور دیگری سپری کرده اند با تقلید از چنان لهجه ها و اصطلاحات، لهجه های اصیل خود شانرا عمداً " تغییر میدهند و زبان خود شان را چه دری و چه پشتو دنباله رو زبانی می سازند که آن زبان، از زبان اصلی شان یا ریشه گرفته و یا هم جدا شده است، ستمی است که بر زبان و فرهنگ شان روا میدارند.

در هر زبان کلمات و ترکیبات با گذشت زمان مثل زندگی انسان ها تولد می شود، رشد می کند، به کمال می رسد و با گذشت زمان آهسته آهسته کلاسیک می شود و در مواردی از استعمال مکالمات روزمره باز می افتد. زبان هم مثل همه شئون حیاتی ترقی می کند. زبان هر زمان گویای مدنیت همان زمان است مخصوصاً در عصر حاضر و با پیشرفت تکنالوژی که زبان ما باید بتواند سخنگوی چنان انکشافاتی باشد که مشخصه مدنیت و تکنالوژی امروزی است. قبول کردن اصطلاحات و اسمای تکنالوژی جدید مثل کامپیوتر، تکنالوژی، انترنیت، ویبسایت، بلاگ و... نه تنها که بر زبان صدمه نمی رساند بلکه جزئی از انکشافات تخنیکی و اقتصادی زمان و مفاهیم و مکالمه روزمره زندگی است. اما ترجمه اسمای خاص مثل هلی کاپتر به (چرخ بال) و یا سیستم به (سامانه) و امثال اینها زمینه افهام و تفهیم و درک مسایل را به مشکل مواجه می سازد و نا مانوس و از فابریکه زبان سازی ایرانی های شئون طلب عرضه شده است.

مجلس وزرای افغانستان در سال ۲۰۱۳ در زمان حکومت حامد کرزی فیصله نمود که: « استفاده از زبان ها و لهجه های بیگانه در رادیو ها و تلویزیون ها ممنوع شد و به مراجع مربوطه هدایت داده شد که استفاده از لهجه های غیر معیاری، کلمات نا مانوس و استفاده از زبان ها و لهجه های بیگانه جدا جلگیری نمایند» ولی این تصمیم هم مثل صد ها تصمیم و قانون دیگر در قفسه های دفاتر زندانی شد و تطبیق نگردید.

ورود کلمات و یا اصطلاحات به زبان دری و یا پشتو اگر معادل این کلمات و اصطلاحات را درین زبان ها نداشته باشیم و تا جائیکه نا مانوس نباشد و با شئون ملی و افغانی ما نا سازگار نباشد، قابل استفاده است نه اینکه بطور مثال ما در حالیکه «تمرینات نظامی» داشته باشیم و برای مردم هم مفهوم و معمول باشد، بجای آن «رزمایش» را که ایرانی ها ساخته اند، استعمال کنیم، و یا هم اینکه اسمای اداره های افغانستان را به فارسی ایرانی ترجمه نمایم از قبیل «دادستان کل» بجای «لوی خرنوال» که یک تشکیل اداری افغانی است و تشکیلی بنام «دادستانی کل» در افغانستان وجود ندارد و یا «دادگاه عالی» بجای «ستره محکمه» و دادگاه ویژه «محکمه اختصاصی» و امثال اینها که متأسفانه این روز ها معمول شده است.

جای تأسف اینجاست که شنونده و یا بیننده فکر می کند که این آقا و یا خانمی که در پشت کمره تلویزیون و یا مایکروفون رادیو نشسته، متخصص زبان هم هست و او هم نا خود آگاه از او پیروی می کند.

اکنون از ادیبان، زبان شناسان، شاعران و نویسندگان و دانشمندان ادب و فرهنگ افغانستان توقع می رود تا در حفظ و نگهداشت و تصحیح اشتباهات کمک نمایند و با نشر مقاله ها و ابراز نظر ها بر این موضوع روشنی اندازند تا باشد که نسل جوان افغانستان، چه دری زبان است و چه پشتو زبان، زبانش را به نحو درست آن بیاموزد.

یکی از دست آورد های بزرگ هجده سال گذشته آزادی مطبوعات و بیان در افغانستان است و در مجموع مفاهیمه جمعی شامل رادیو، تلویزیون، تیلیفون و مخابرات به صورت کل پیشرفت شایانی نموده است. بیش از شصت کانال تلویزیونی و یکصد دستگاه رادیو امروز در افغانستان نشرات دارد که یکی از عمده ترین پیشرفت ها و دست آورد ها در افغانستان به شمار می رود. این همه دستگاه ها از یکطرف به رهنمائی دانشمندان نیاز دارد و از جانب دیگر نقش عمده و کلیدی در نزدیک ساختن فاصله ها بین جامعه کثیرالنژاد افغانستان می داشته باشد.

توصل به کلمات و لهجه های بیگانه در زبان های دری و پشتو هر دو، رقابت نا سالم و مقابله زبانی را باعث شده که در نتیجه نقاضت های قومی، نژادی و زبانی را به خواست دشمنان ایجاد کرده است.

درینجا به حیث نمونه یکی دیگر از بدعت های زبانی را یاد آور می شوم. در خبر های تلویزیون طلوع گفته شد: «سامانه ایجاد زمان واقعی بین وزیر مخابرات و یک شرکت امریکائی امضا شد» منظور از «سامانه ایجاد زمان واقعی» ریل تایم سیستم (real time system) انگلیسی است که اسم خاص میکائیزمی است که زمان

واقعی مکالمه تلفونی را بمنظور وضع ده در صد مالیه بر مالک تلفون ثبت میکند، و نمی دانم «ایجاد زمان واقعی» درینجا چه معنی می دهد. زمان «ایجاد» نمی شود بلکه وجود دارد ولی می توان مدت یک روش، عمل، نوشته و یا هر حرکت دیگری را توسط زمان سنجید. ترجمه چنین اصطلاحات تخنیکی و یا علمی و تکنالوژی دو مشکل دارد، اول اینکه ترجمه مفهوم و معنای واقعی این اصطلاح را نمی رساند بلکه چنین اصطلاحات به تعبیر و توضیح نیاز دارد و افزودن این اصطلاحات به هر زبانی که باشد بر انکشاف و وسعت زبان می افزاید همانطوری که هم اکنون در زبان های دری و پشتو کلمات و اصطلاحات زیادی از زبانهای دیگر، عربی، فرانسوی، انگلیسی، اردو، روسی و غیره به مرور زمان افزوده شده است و جزء این زبانهاست و دو دیگر نا آشنائی دری زبانان و پشتو زبانان به اصطلاحات تخنیکی و علمی را سبب می شود. مثل اینست که شجاع زکی را به (brave clever) به زبان انگلیسی ترجمه کنیم. «سامان» در فرهنگ عمید یکی از لغتنامه های معتبر ایرانی چنین ترجمه شده: اسباب خانه، لوازم زندگانی، افزار کار، بارو بته سفر، کالا، آراستگی و نظم، آرام و قرار. ترجمه (system) در لغتنامه معتبر ایرانی "حیم" چنین است: سلسله، رشته، دستگاه، جهاز، طرز، روش، رویه، اسلوب، قاعده، نظم، ترتیب، منظومه، اصول، قول، وجود، تن، مزاج.

وقتی این ترجمه و ترکیب «سامانه ایجاد زمان واقعی» را دیدم همان داستان ترجمه یک برتانوی از «دیوان عالی تمیز» به «دیوانه های قد بلند پاک» که جناب زمیری کاسی نوشته اند، تداعی شد. این ضرب المثل زبان اردو را نیز بیادم آورد

« سامانه بهت بهت روتی کچ نهی»

پایان